

[تصویر شبهه در صدق مشارکت 2](#_Toc507249761)

[احتمال تأثیر جنایت اول و اشتراک (مقام ثبوت) 2](#_Toc507249762)

[عدم انحصار تأثیر در خونریزی نسبت به قتل 3](#_Toc507249763)

[عدم اثبات تأثیر نسبت به جنایت اول (مقام اثبات) 3](#_Toc507249764)

[امکان انحصار استناد جنایت به جانی اول (مختار استاد دام ظله) 3](#_Toc507249765)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/صورت ششم /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بیان ششمین صورت از مرتبه چهارم قتل به تسبیب بود که مربوط به موارد اشتراک افراد متعدد در قتل است.

#### صورت ششم (ادامه مباحث)

بحث در مشارکت دو جانی متعدد در ایراد جنایت به شخص واحد بود به نحوی که به مرگ مجنی علیه منتهی شود، که در صورت اثبات مشارکت در قتل، قصاص بر متعدد ثابت است؛ کما اینکه اگر شخص منفرد در جنایت قتل باشد و لذا فرقی برای ترتب قصاص بین انفراد یا مشارکت نیست، اما بحث در فرضی است که در آن جنایت اول، منجر به قطع انگشتی از مچ شده باشد و جنایت دوم همان دست را از مرفق قطع نموده باشد و در اثر این فرآیند، مجنی علیه به قتل رسیده باشد.

همان طور که بیان شد، در مطلع این بحث مرحوم محقق ره به عنوان صورت ششم از مرتبه چهارم، تصویر شرکت را در قالب این فرض آورده است، منتهی بعد از آن به مناسبت، متعرض فروع شرکت در قتل شده است و در واقع این صورت به نوعی مقدمه ورود به بحث اشتراک در قتل و جنایت شده است.

در این صورت بحث در جایی است که جانی اول جنایت کرد به قطع انگشت ابهام از مفصل مچ (کوع)، و جانی دیگر دست را از مرفق قطع نموده است که به نظر ایشان در ابتداء قتل به هر دو جانی مستند است و اگر چه با جنایت دوم موضوع تأثیر اول منتفی شده است، ولی به لحاظ بقای آثاری مثل درد و عفونت ، تأثیر جنایت اول به طور کلی منتفی نیست، لذا موت مجنی علیه به این جنایت نیز مستند است.

##### تصویر شبهه در صدق مشارکت

نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که در فرض مرحوم محقق ره در مقام، حق این است که شبهه در مشارکت رکن قضیه است و لذا باید فرض را به گونه ای تصویر نمود تا این شبهه مسلم باشد و گرنه جایی برای تردید در تحقق یا نفی مشارکت باقی نمی ماند، از این رو عرض شد که فرض ایشان حمل بر موردی می شود که در جنایت اول، انگشت ابهام از مفصل مچ قطع شده باشد، نه اینکه جنایت اول به قطع دست از مچ باشد تا شکی در تحقق مشارکت فرض نشود و نقض غرض مرحوم محقق قدس سره خواهد بود، لذا مرحوم صاحب جواهر ره وقوع جنایت دوم را در دست دیگر مجنی علیه نپذیرفته است و به مرحوم فاضل اصفهانی ره[[1]](#footnote-1) که این توسعه را قائل شده است، اشکال می کند؛[[2]](#footnote-2) چرا که در صورت وقوع جنایت دوم در دست دیگر، شبهه ای در تأثیر هر دو جنایت باقی نمی ماند، در حالی که در این فرض، بحث بر سر شبهه و تردید است؛ چون بر طبق مفروض، ظاهر جنایت اول به واسطه جنایت دوم معدوم می شود و خنثای از تأثیر به نظر می آید، کما اینکه مرحوم محقق ره از صورتی که جنایت دوم، جنایت به ذبح است، احتراز نموده است؛ چرا که عدم اشتراک در آن مسلم و مورد منحصر در استناد قتل در این فرض، ذابح و جانی دوم است، تعبیر «و ليس كذا لو قطع واحد يده و قتله الآخر لأن السراية انقطعت بالتعجيل»[[3]](#footnote-3) در شرایع گویای این احتراز است.

###### احتمال تأثیر جنایت اول و اشتراک (مقام ثبوت)

اما از آنجا که در مقام با وجود اینکه به حسب ظاهر، جنایت اول دیده نمی شود، ولی ممکن است اثرش که همان درد و الم است، باقی باشد، کما اینکه در صورت مسمومیت آلت این جنایت، سم در بدن مجنی علیه منتشر می شود، در اینجا نیز به نوعی این درد و الم در بدن مجنی علیه منتشر شده است، و همین تأثیر برای اشتراک در جنایت کافی است و در واقع باید گفت که ما نحن فیه از قبیل فرضی است که دست دیگری در جنایت دوم قطع شده باشد که در آن حکم به اشتراک مسلم است.

###### عدم انحصار تأثیر در خونریزی نسبت به قتل

بنابراین، شبهه در جایی است که صورت و ظاهر جنایت اول به واسطه جنایت دوم از بین رفته باشد ولی تأثیری برای جنایت اول در وقوع قتل، تصویر شود که به نظر مرحوم محقق قدس سره، چنین تأثیری منحصر در خونریزی نیست تا با قطع مرفق در جنایت دوم، این خونریزی با منشأش تبدیل به خونریزی جدیدی شود، بلکه تأثیر در قتل به واسطه دردی است که در بدن جریان پیدا کرده و منتشر شده است که با قطع مرفق هم قطع نمی شود، کما اینکه مسمومیت به واسطه آلتِ قتل نیز این گونه است.

###### عدم اثبات تأثیر نسبت به جنایت اول (مقام اثبات)

مرحوم محقق قدس سره در ادامه به این احتمال و ترجیح ابتدایی خود، اشکال می کند و عدم قطعیت مشارکت را مطرح می نماید به این بیان که معلوم نیست، درد و الم ناشی از جنایت اول، منشأ مرگ شده باشد و پذیرش آن نیاز به دلیل و اثبات دارد، بله، تأثیر مطلق، به معنای درد شدید و جاری در بدن، قابل اثبات است، اما اینکه این تأثیر تا حد، تأثیر در مرگ باشد، اثبات نشده است و در واقع آنچه کشندگی آن مسلم است، خونریزی است که با وجود جنایت دوم، این خونریزی نسبت به جنایت اول کالعدم محسوب می شود.

##### امکان انحصار استناد جنایت به جانی اول (مختار استاد دام ظله)

نکته ای که در مورد این فرض به نظر می رسد این است که حتی ممکن است در چنین موردی، به طور کلی قتل از جانی دوم منقطع باشد و به طور منحصر مستند به جارح و جانی اول شود؛ چرا که اگر این گونه فرض شود که دست مجنی علیه در جنایت اول، از مچ قطع شده است و جانی دوم از وسط ذراع همین دست را قطع نموده باشد، و از طرفی تفاوتی در شدت و ضعف خونریزی بعد از جنایت دوم ایجاد نشده باشد، حق این است که قتل مستند به جانی اول خواهد بود و فرضا به واسطه جنایت اول، شاهرگ مجنی علیه باز شده است و خونریزی آن به تدریج منجر به مرگ شده است و حتی برای جنایت دوم تأثیری به نحو تعجیل در وقوع موت نیز متصور نیست. بنابراین، اگر قطع و جنایت دوم که طبق فرض از مرفق است، در خروجی خون با جنایت اول مساوی است؛ حق این است که اولی به طور منحصر قاتل باشد بر خلاف متسالم بین کلمات که این احتمال در آن مطرح نیست، ولی بر اساس ضوابط و قواعد موجود در کلمات بزرگان قابل تطبیق است.

بنابراین، برای قضاوت در مسأله ما نحن فیه، می بایست از نظر صغروی، تفاوت و عدم تفاوت در خونریزی و شدت و ضعف آن بررسی شود که البته امری خارج از شأن و وظیفه فقیه است و مربوط به وظایف قاضی و حاکم می شود.

1. . كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج‌11، ص: 41. [↑](#footnote-ref-1)
2. . [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص61.](http://lib.eshia.ir/10088/42/61/) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص186.](http://lib.eshia.ir/71613/4/186/) [↑](#footnote-ref-3)